پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱

دینور از شکل یادی تا اضحال: تأمیلی دیگر در عوامل موثر بر
اضحال شهرها \(^{\text{۱۲۴}}\) (از جمله تا ۱۳۹۱)

حسن کریمیان
استاد و گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران
حسن مسیری
دانش‌آموزه‌کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران
محمدرضا شوهر
دانش‌آموزه‌کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۰۸/۳۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۰۲/۳۰

چکیده

از میان شهرهای قرون اولیه اسلامی ایران، کمتر شری را می‌توان یافت که همانند دینور، توجه مورخین و جغرافیایی‌ها به آن داشتند. بقایای این شهر در مسیر وسع و حاضری‌های شمال غربی شرستان صنعا کرمانشاه واقع شده و به جهت زرگری گی در ارتباطی ایران به تهران و بین شاهزاده از موقعیت معنی‌داری بروزده است. قدمت این آثار که در بررسی‌های نگارنده‌ای از بقایای شهر دینور به دست آمده، مرتبه به دوره سلوکی‌اند (۶۳۶-۷۱۷ م.) است. داده‌های باستان‌شناسی، ضمن تایید اطلاعات تاریخی، از تداوم حیات این شهر در دوره ساسانیان (۲۲۴-۶۳۶ م.) و قرون اولیه اسلامی کاپاو سرچشمه‌ای دارد. موقعیت ممتاز جغرافیایی و قابل‌توجهی محسوب دست دینور سبب شده تا این شهر، تخریب‌های کلی ناشی از گچ و بلایای طبیعی را پشت سر نهاده و در شکل‌گیری سلسله‌های مقداد محلی (مانند خاندان حسینی) نیز به نحو مؤثری ایفای نقش نماید.

در پژوهش‌های اصلی تا اینجا، به تشکیل گروه شری با چنان بستر جغرافیایی و تاریخی معتبره، به ناگاه متروک شده این موضوع رسیده است. در راستای حفظ به هدف تحقیق، بررسی‌های روشن‌تر در عصر حضور ایران‌شناسی دینور به انجام رسید. تحلیل داده‌های حاصل از بررسی‌های میدانی، روش‌شناسی که این شهر در بی‌انتخاب کرمانشاه به عنوان مرکزی سیاسی و نخبه در اواخر حکومتی جغرافیایی صفورایی کامل‌تر و گرده‌یب. بدین ترتیب می‌توان یاد کرد، که جهانی‌های مراکز حاکمیتی تیز می‌تواند دلیلی بر تداوم حیات شهرها باشد و استمرار و وجود آنها، به مقتصدی‌سیاسی بستگی تام دارد.

واژه‌های کلیدی: ابالت جبال، شهر دینور، ماه کوفه، شهر ساسانی، شهر اسلامی

مقدمه

hosein_sabri@hotmail.com

۱. نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول.
رشته‌کوه‌های زاغرس، به واسطه داشتن دشت‌های بین کوه‌های حاصیلخیز و منابع آب فراوان، شناخت‌های و از ایجاد تپل‌های استقرار آرام پرده کرده است (فاگان، صص 242-243). هر چند این کوه‌ها در جهت خود پیشرفت نشان داده‌اند، اما از لحاظ بلندی یکسان نبوده و به همین دلیل، اغلب یکی از دیگر دین‌های در افغانستان و در میان خود دره‌های عریق حاصیلخیز و مال‌مند از استقراری‌ها بر جای گذاشته‌اند (دووک، صص 63-69). از آنجا که این دره‌ها سهولتی یافته‌اند، مسبب‌ترین ارتباطی نیز می‌باشد، در ارتباط با هم نوعی شبکه دسترسی را ساخته‌اند که در آن، محفظه‌های استقراری بر اساس «میزان دسترسی» در سلسله مراتب اهمیت جای می‌گیرند. بدين ترتیب هر محفظه‌ای که در مسیر محفظه‌ای ارتباطی بیشتری قرار گیرد، به واسطه نقش کلیدی‌اش، توانسته به‌هنجاره جمعیت و استقرار حاکمیت بندی‌بندی می‌گردد. دشت دینور یکی از جلغه‌های حاصیلخیز زاغرس است (شکل 1 ف و ب). که با توجه به موقعیت منطقه‌ای ارتباطی و قابلیت‌های محیطی خود، توانسته است شهر پاساسی دینور روی دامن خود شکل دهند. شهری هیچ‌که بر اساس شاهدی پاسار - شناختی، دست کم از روزگار سلوکی (پس از حدود 230 م ب) تا اولین حاکمیت صفویان (قرن شانزدهم میلادی/قرن هفتم هجری) پیوسته در معادلات سیاسی فرهنگی و تجاری عرب ایران، ایفای نقش نموده است.

با بررسی شهرهای انتقال‌های دستی از روزگار ساسانیان به دوران اسلامی معلوم گردیده است که علیرغم اضطرالیت تعداد قابل توجهی از این شهرها در قرون اولیه اسلامی (5-1 هجری)، تعداد نیز با گذشت از این دوران پرتوالطم تا روزگار حاضر ادامه جای داده‌اند. اگر چه اطلاعات باستان‌شناسی درباره فرم و تعریف شهرهای ایران در دوران اسلامی (به نسبت کثرت و وسعت این شهرها) بسیار اندک است، لیکن فراوانی اطلاعات مندرج در منابع تاریخی، تا حدی این نقضیه را بر طرف کرده است. از میان شهرهای ایران تعداد معنوی‌یاد که همچنان دیگر هم‌مان توجه خلفای اسلامی و نیز مورخان و جغرافیان نویسنده این دوران به خود معطوف کرده باند، علیرغم شهرت و اهمیت مورد اشکار معلوم نیست چگونه در آغاز عصر تجدید حیات و شکوفایی شهرهای ایران (عصر صفویان)، چنین شهر که مرکبی با سرعت متروک شده و رو به اضعیف‌الحال نهاده است؟

هدف از پژوهش حاضر آن است، تا مشخص کند که به چه سبب شهر دینور در نقطه اوج شهرسازی صفویان، متروک و انجمن مشخص گردیده که اروزوش شکل و محدوده آن نیز به‌درستی قابل تشخیص نیست. مفروض آن بود، که چون دینور
ده‌نور از شکل‌بایی تا اضحال: تأمین دیگر در عوامل موثر بر اضحال شهرها

امپای و اعتبار مضاعف خود را از توجه خلفای عباسی به دست آورده بود، به دنبال سقوط عباسیان از اعتبار ساقط شده و نهایتاً با رونق کرمانشاه در عصر صفویان، متروک و مضمحل گردیده است.

در پاسخ به پرسش‌های تحقیقی و به منظور ارزیابی فرضیات آن، نگارنده‌ان مقاله حاضر با انجام بررسی‌های روشن‌سازی در عرصه محدوده باستانی ده‌نور، شواهد قابل توجهی را از روند رشد و توسعه شهر در ادوار مختلف تاریخی به دست آورند و با مستندسازی داده‌ها، زمینه تحلیل تحوالات تاریخی شهر گراهم گردیده. از انجا که منابع تاریخی کهن نیز اطلاعات قابل ملاحظه‌ای این شهر را ثبت نموده‌اند، اطلاعات آنها می‌توانست در اطلاعات با داده‌های حاصل از پژوهش‌های باستان‌شناسی مفید واقع گردد. بین سبب، در ادامه، پس از بررسی برخی محیط‌های شهر ده‌نور، شواهد تاریخی مربوط به آن به اجمال کردن‌های خود و سپس با تحلیل شواهد باستان‌شناسی در اطلاعات با داده‌های تاریخی، بحث به نتیجه خواهد رسید.

بسته‌های شکل‌بایی، توسعه و اضحال

الف) بسته‌های جغرافیایی

ده‌نور از بخش‌های شهرستان صحنه در استان کرمانشاه است، که سه دهستان ده‌نور، خر و گندوله را در خود جای داده و مرکز آن مینابانه نام دارد. «دشت ده‌نور» که شهر باستانی ده‌نور را در خود جای داده، به وسیله گوه‌های عالی‌سیاه قرار خانه، عالی‌کرم، کرمسیاه و قلعة هژیر محاط شده است (شکل ۳). گوه‌های مذکور نه تنها منبع مطمئنی برای تأمین آب دشت به شمار می‌رودن، بلکه محيط امنی برای شکل‌بایی استقرارگاه‌ها به وجود آورده است (فرهنگ جغرافیایی ایران، کشور، ج، ۴۶، ص ۲۰۹).

همچنین مشخص شده است که دو چشمه در محور جهار جهت اصلی، در مرکز دشت ده‌نور یکدیگر را قطع کرده، در نقطة اتصال خوشی به بقایای شهر ده‌نور مرسند (شکل ۳). راهی که از شمال به جنوب امتداد یافته است، در واقع شاخه‌ای از جاده ابرشم بود که پس از گذر از ده‌نور به بیشتر مرسید، جاده‌ای که با محوریت شرقی - غربی از این دشت می‌گذرد، در جنوب شرق به شاهراه اصلی
کرمشاهه- همدان مرتبت است، و از سمت غرب به کامیاران و شاهرود قدم شما
غرب مرتب می‌گردد. راه‌های ذکر شده، تنها از نگله‌های سطح‌العمر به دشت وارد
می‌گرددن (شکل ۳) و بدین سبب دشت/شهر دیور را در موقتی سقوط الگیش قرار
می‌دهند.

بدین‌گونه این است که واسطه موقعیت ارتباطی کننده دینور است. که در میان
جغرافیایی که از آن به عنوان یکی از شهرهای معروف «البادیت جالب» و یا «عراق
عجم» یاد شده و فاصله آن با منازل دیگر به نسبت سنده است. در «مسالک و
المالک» آمده است: «مسافت از مراغه تا دینور سی فرسنگ» (اصطخاب‌ی، ص ۱۶۱).
اربع صد عبارت به‌خوبی بر اهمیت این دو منزل (ابن دو شهر) در قرن چهارم
هجری دانسته‌دار. اصطخاب‌ی مسافت نزدیک‌ترین شهرهای مهم غربی و شرقی را نیز
اینگونه ذکر می‌کند: «از همدان تا دینور بیست و اند فرسنگ. از دینور تا شهر زور
چهار مرهظه» (اصطخاب‌ی، ص ۱۶۴). یاقوت هموی، همچون اصطخابی، سنجش دینور
را دو سوم همدان ذکر کرده، لیکن هوازی آن را «مطیعتر» و مردان آن را «فعّال‌تر
آزمایده‌ها می‌نگارد (حموی، ص ۴۷۷) و معتقد است که از این اقیان، گرده یکبار از
خداوندان دانش برخانساند (حموی، ص ۵۰). در دوران متیئی به قرون میانی اسلامی
دینور را سر حد جنوبی آذربایجان می‌دانستند. این حرف داده‌دهنده محدود آذربایجان
می‌گوید «تا دینور تا حلوان و شهر زور و می‌پیچد تا منتهی به قرب دجله و...» (ابن
حوتیل، ص ۹۹-۱۰۱). یعقوبی، دینور را جزو بلاد جبال ذکر کرده (یعقوبی، ص ۲۱۰) و
ابن فضل‌الن آن شهر را منازل مهم در راه حجاج بر سر هرات حلونان می‌داند (ابن فضل‌الن
ص ۲۱۲). بارتلود و لسترن نیز به طور ویژه، نقش ارتباطی دینور را مورد توجه قرار
داردند (بارتلود، ص ۲۱۵، لسترن، ص ۲۴۶). مشکور به نقش از نسخه ساسانی
شهرستانهای ایران»، دینور را از محدوده‌های مهم جبال ذکر کرده است (مشکور،
ص ۲۴۵). مارکورت با استناد به نوشته‌های موسی خورنی، جغرافیایی ویکارد، که
کتاشی بی‌کی از منابع معترض پیش از اسلام ایران است، چابگاه و یوز دینور در قلمرو
ساسانی را مورد توجه قرار داده است (مارکورت، ص ۴۵).

ب) بستری‌های تاریخی
بخش مهمی از اطلاعات مرتبت با شهر دینور، از منابع تاریخی و مکتب‌های گرافیایی
قرن میانی اسلامی قابل دریافت است. بدین‌گونه است که تلفیق اطلاعات تاریخی و
نتایج پژوهش‌های باستان‌شناسی، درک تحولات تاریخی شهر، به‌ویژه دلایل اضحلال آن را تسهیل خواهد نمود.

پیرنیا در کتاب ایران باستان آورده است، که اشکالاتین «بادشاهان چالی از بلاد دیونور و نهانود و همدان و ماسیبان و آذربایجان منصور می‌نمودند» نتیجه یافته است. در تاریخ طبری و مکتبی به‌عنوان توافق‌های اشکالاتین را منجر به ساخت لشکر به همدان آوردن و مملکت چالی از بلاد و همدان و نهانود و دیونور را تغییر و فرمانروایی آن را به‌کشت (طبری، ج. 1 ص. 489، مکتبی ص. 773) بر اساس فراوانی‌هایی از دیده‌بینی این شهر در قرون اسلامی در دست گزارش گردیده است. در روایت‌هایی که متعلق به تاریخ غزنوی می‌باشد، نمودار است. این شهر در سال ۷۱ هجری در دستور پادشاه ایرانی قرار گرفته و به‌عنوان مهم‌ترین شهر این کشور نیز به‌شمار می‌آمد. این شهر در دوره‌های مختلف تاریخی به‌عنوان مرکز حکومتی و سیاسی از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. این شهر در پیش‌های اولیه تاریخ ایران به‌عنوان مرکز حکومتی و سیاسی از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. در نهایت، این شهر در دوره‌های مختلف تاریخی به‌عنوان مرکز حکومتی و سیاسی از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است.
به عنوان پایگاهی برای سرکوب سرخ‌جامگان استفاده نمی‌نماید. و او نیز در موضوعی یک همکنون به «قصر عدالتة بن طاهر» معروف است پایگاه خود را ساخت (دبیری، ص 149؛ یعقوبی، ص 48).

در سال ۲۴۸۳ هجری، خلیفه المتین در برابر عمر و لیث صفاری به دینور لشکر کشید و با گور و سربلندی تمام مغرب ایران را تقویت و ری و قم به پسرش على سبیدر (نیمایی، ص 7۰۳؛ یاوری، ۱۴۳۹).

به سال ۲۱۹ هجری، مرباوجی زیارتی علیه خلیفه عباسی شوریس و به سرعت همدان، دینور و اسقلمان را از دست و عیان خلیفه برپور کرد (بارشان، ج ۵، ص ۱۸۵؛ اسپنسر، ج ۱، ص ۱۵۴). فرماتوانی زیارتی از نیک‌ندان نیابید؛ زیرا سامانیان در پس از تصرف، قلمرو خود را به بلاد جبل رسادند و دینور و همدان و تا حدود خلیفان را تصرف نمودند (فریز، ص ۲۸۷-۲۸۸ و کالازی و جلبی، ص ۱۳۴۶: ۱۱۰). در همین زمان، پرک در بخشی از مکزیکی دینور، سلسله‌ای ملیت یا گرفت که به نام بین‌گذار آن، «آل حسونیه» نامیده شده است. این کردی‌بودن که توانتاند در آذربایجان موقعیت مستقری برای خود کسب کنند، و حتی یکی از سران ایشان به نام «حسونیه بن حسین» تحت راهنی دینور تا هواز، یک قدرت ملی و خانوادگی پریزی کند (اسپنسر، ص ۱۷۰-۱۷۹؛ سلطانی، ص ۱۷۰؛ بابلی، ص ۴۲-۴۳)

حسونیه، قلعة سرماج (در نزدیکی پیستون) را که به روزگار ساسانیان هم عظیمی داشت، از نو تعمیر کرد و محل اقامت خود نمود. وی ویژه جامعی در شهر دینور بنابر کرد. که در تاریخ مدخت حکمران آل حسونیه اهمیت داشت (گزارشی، ص ۲۴۲-۲۴۳). حکمرانی ایشان ۱۳۰ سال دوام داشت (بایشی، ص ۱۸۴)، و آل بوهیآ آن را منقرض کردند (بین بول، ص ۱۲۴-۱۲۵) و خاندان بنه عیان یا خاندان «یواپسیک» در سال ۴۰۳ هجری جانشین آنها گردیدند (گزارشی و جلبی، ص ۱۳۰). این خاندان را نیز از جمله فرماتوانی دانستند، که در قرن چهارم هجری بر دینور تأثیر گذاشته، بنی‌کاکایه را می‌توان از دیگر ملی‌های ملی داشت، که قلمرو خود را از اسقلمان تا دینور و همدان و شاهپرخواست گسترش دادند (بارشان، ج ۴۹).

از مقدسی، نقل گردیده است، که به سال ۲۹۸ هجری زاده‌بارانگری که تمرکز آن در شهر دینور بود. این شهر را تقتیباً ویران کرد و بیش از ۱۰۰۰ تن افزون بر آنان که در زیر زمین یا زنده ماندند، جان خود را از دست دادند (اسبرس و ملی‌بان، ص ۱۳۷).
دنیور از شهرهای تاریخی است که در زمان‌های مختلف در آن جامعه‌ای مستقر ریخته شده‌اند. این شهر به‌خصوص در زمان‌های مختلفی به‌ویژه در زمان‌های تاریخی، حائز نقش مهمی می‌شده است.

در زمان‌های مختلف، دنیور به‌ویژه در زمان‌های صفوی و قاجاری، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، حائز نقش مهمی می‌شده است. در زمان‌های صفوی، دنیور به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی، به‌ویژه در زمان‌های صفوی
عنوان مرکز باشگاه کرمانشاهان، دنیور نقش تأثیرگذار خود را کاملاً از دست داد و این روند ادامه داشت، تا انتهای دوره پهلوی دوم، رسمی از توابع بخش صنعت شهرستان کرمانشاه از استان پنجا (کرمانشاه) محسوب گردید (عربیه، ص 160؛ سندیجی، ص 270).

شواهد باشگاه‌نخستین
الف) داده‌های حاصل از بررسی‌های سطحی
بدون تردید بررسی‌های روشن‌تر نگارندگان را می‌توان تنا بررسی هدفمند باشگاه‌نخستین در محوطه باشگاه‌دهی دیتوار به حساب آورد. شگفت‌آور است که در محوطه‌ای با چنین تاریخ طولانی، حتی گمانهای پیچیده تعریف حرف نیز نشده، تا با انتظار داده‌های زیر سطحی بنوان به بررسی آن پرداخت.

از جمله شواهد باشگاه‌نخستین که از رونق دشت‌شهر دنیور در دوران سلوکیان (واخر سده چهارم تا نیمه سده دوم پ م) حکایت دارند، تندیس‌های سیل‌ها (همرانان باکوس خدان شرایب یونانیان) هستند، که کلاپس و کلایمر مدعی‌اند «هرتسفلد» و «زارا» آنها را از دیتوار تهیه نموده‌اند (کلاپس و کلایمر، ص 16-1114).

این شواهد، اکنون در موزه‌های آثار باستانی بازل سوئیس نگهداری می‌شوند. تندیس‌های دیگری نیز متعلق به این دوران از دشت دنیور به دست آمده‌اند، که در موزه ملی ایران نگهداری می‌شوند (شکل 5).

اعریچه در یافته‌های سلطانی کناره‌گزاری، شاهد دیگری از عصر سلوکیان به دست نیامد. ولی آن‌گونه که نشان داده است، داده‌های سطحی بر استمرار زندگی در این شهر از دوران پارت‌ها تا عصر صفوی صخه می‌گذراند (شکل 4). برآوردی‌ها مواد فرهنگی متعلق به ادوار پارت و ساسانی، از سایر ادوار پیش‌تر است. علی‌رغم آنکه در قرون اول و دوم هجری، با آفت شدیدی در تعداد نمونه‌ها ویژه هستیم، ده‌ها در قرون سوم و چهارم هجری مواد فرهنگی، جهش قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهند.

این نمونهار همچنین مشخص می‌سازد، که با گذار شهر به قرون مبنا اسلامی، به- تدریج از تراکم مواد فرهنگی کاسته شده، تا این که در عمل هیچ نمونه‌ای را از قرن دهم به بعد نشان نپذیرم.

همان‌گونه که روشان شد، تنوّع کاربری داده‌های سفالین در ادوار مختلف، متفاوت است (جدول 1). به عنوان مثال، بیشترین ظروف ذخیره‌سازی را می‌توان در دوره ساسانی مشاهده نمود؛ حال اینکه قطعات متعلق به قرون چهارم تا هشتی هجری غالب‌اً
ده‌بند هبَّة مَهْجَنِی نَجَسِد ی‌بُر دُورُان حَکَمِرَان آل حَسَنیَّه در این شهر
مرتبط باشد. همچنین بیشترین یافته‌های سطحی، مرتبی این است اعضا ساسانیان و
حکومت حَسَنیَّه (۳۵۸-۳۸۱ ه.ق)، و کمترین آنها به قرون ۹ و ۱۰ هجری
اعتناء دارند.
به هر حال، با اکنanya به توزیع داده‌ها تریدی‌ندیامه که در نیمی دوم قرن چهارم
هجری، پس از استقرار خاندان حسنی و ایجاد ثبات نسبی سیاسی در منطقه،
mجددا شهر به محدوده ساسانی خود باز گشته است.

ب) شواهد سکه‌شناختی
از ضراب‌خانه‌های قبل از ساسانی در دینور، اطلاعی در دست نیست ولی آن‌گونه
که یاز شاطر معقّد است، ظاهرآ در سال‌های ۱۲۶۲-۲۲۷۵ هجری در ضراب‌خانه‌های
ماهرین (دو ماه تاون و دینور) تعادلی در ذوب و اندکی سکه‌های مسین ضرب شده (یاز
شاطر، ج. د. ۲۰۳)، که در آن‌ها از طرح سکه عباسیان تبعیت کامل شده و نام «مادر
الکوفه» بر آنها نشته است (شکل ۸). اولین بار بر روی سکه‌هایی که به سال
۲۷۵ هجری فخراخانه دیلمی در این شهر سکه ضرب نموده، نام «دینور» به چاپ
«مادر الکوفه» وروده شده است. شش عدد از این سکه‌ها را عبادالله قوچانی شناسایی
نموده، که از میان آنها دو سکه متعلق است به ابولنجم که در زمان فخراخانه دیلمی
به سال ۲۸۷ هجری ضرب شده است (فوچانی، ص. ۴۵۵ م و. که بنابراین در دینور و بنی کاکوه، که نخست تابع آل‌بویه و بعداً دست نشان‌داده سلجوقیان بودند،
سکه‌هایی به دست آمده که در دینور ضرب شده‌اند (شکل ۷ و ب). در فهرستی
که از ۵۰ ضراب‌خانه آل‌بویه تهیه گردیده، نام دینور نیز قابل ملاحظه است (تراپ
طباطبایی و وقیع، ص. ۳۲۴).

موقف‌یت ارتباطی این شهر، همچنین آن را به مکانی برای تصرف آریه منطق‌ران
اسلامی تبدیل نموده و بدن سیب داشتمان بنام و بزرگی از آنها برخاسته‌اند، که
از آن جمله می‌توان ابوجعفریه دینوری (۲۴۲-۳۸۲ ه.ق) را نام برد.

نتیجه
هدف اصلی پژوهش حاضر آن بود، که روش‌ن سازد چگونه شهری با بسترها
جغرافیایی و تاریخی بسیار مستعد به‌ماندگی در عصر سفیان متروک شده است. اگر
چه اطلاعات تاریخی در تعلب و وضعیت شهر مورد بررسی به روزگار پیش از اسلام
چندان مورد استفاده نبودند و لی شواهد باستان‌شناسی روشن ساخته بود که دیگر از دوران اشکانیان به بعد نشان مهمی داشت. با اینکه پس از دستور ابوسعید
ایلخانی در احداث سلطنتی جمجمه از شرق بستون (به سال ۷۳۱ ق. م. تا
حدی از اعتبار گذشته دیور کاسته شد، در عین حال، شواهد باستان‌شناسی می‌تواند
استمرار حیات شهر تا عصر صفویان است. اگرچه با سقوط ایلخانان و تخریب شهر
سلسته کنده، بار دیگر بخت به دیور روى اورد، ولی ترسیم بسیار
فرمانروايان صفوی در مرکزی به خشیدن به شهر کرمانشاه ضرره‌هایی را وارد کرد و
دیور را مضحل ساخت، زیرا جز تعداد انگیزه خردسال متعلق به دوره صفویان.
هیچ‌گونه شواهد ملموس فرهنگی متعلق به دوره‌های بعد، از عرصه محوطه دیور به
دست نیامدها. در نتیجه‌گیری نهایی می‌توان گفت، اگرچه ایجاد ملکی شهرها را عموماً
به مسالمه جُن زنازنه، جنگ، امضا و اگری، تغییرات شدید اقیمی و و
مرتبت دانست
این، لیکن آن چنانه در شهر دیور مورد بررسی قرار گرفت، جابه‌جایی مرکز
حکم‌نامه‌ها و یا تغییر اولویت نظمی نیز می‌تواند به حیات شهرها تأثیرگذار
باشد.

1. برای بحث در زمینه احداث این شهر، به تاریخ الجایتو تأثیف لیاقت نامعبد الله بن محمد القاضی.
2. هر چند در زمان شاه اسماعیل دوم که آن را می‌توان زمان متروک شدن نهایی دیور دانست، جنگی
بین ایران و عثمانی رخ نداد، اما اوضاع به قدری مشکل بود که به قول تقریباً همسه‌اماده نبودند.
دولت عثمانی سره‌دایه خود را کوپتند کرده و اسماعیل دوم نیز به اصطلاح مرکز منطقه‌ای خود را به
کرمانشاه انتقال داد. برای اگاهی از شرایط حاکم بر این دوران، به کتاب شاه اسماعیل دوم صرفه، و
نثر
هیبتی، ترجمه کیکابوس چهارداری، انتشارات علمی فرهنگی، تهران ۱۳۸۴، صص ۲۹-۱۲۸، مراجعه
شود. پس از شاه اسماعیل دوم، دیور حاکم شد و نهایتاً تا زمان شاه عباس کبیر که دیور را...
درگال خرابی و
پرپاشی بود... برای آن حاکم نوین شد (فروشی) طبری، ص ۸۴ و ۸۲ دانشگاهیست، صص
۲۶۸ و ۲۷۱. مراجعه
شود. پس از این دوران و در دوره متاخر صفوی بود که در عمل، دیور به خشکی از
کرمانشاه به عنوان مرکز منطقه‌ای مبدل شد (فرازی) صص ۳۸۵-۳۸۶.

ص ۱۵۱-۱۳۶، مراجعه شد.
شکل 1- الف (برگرفته از سایت سازمان نقشه برداری کشور)
شکل ۱- ب موقعیت کلی دینور در استان کرمانشاه (برگرفته از سایت سازمان نقشه برداری کشور)

شکل ۲- دشت دینور محصور در کوه‌ها و عبور از شهر اصلی از جوار تپه دینور (مقیاس ۱/۵۰۰۰۰۰۰)
دینور از شکل‌بایی تا اضحیال: تأثیر دیگر در عوامل موثر بر اضحیال شهرهای

شکل ۳: نقابایی بخش جویی محوره باستانی دینور در دشت دینور. کوه‌های اطراف دشت و تنگه‌های کوهی دسترسی بدن را دشوار می‌سازند. (عکس از نگارندگان)

شکل ۴: پل بازمانده از عصر ساسانیان بر روی رودخانه جامیشان در تنگه ارتباطی به دشت دینور. (عکس از نگارندگان)
شکل ۵: این دو سیلن از موزه آثار باستانی پاریس بوده‌اند. نمونه ای از سر سیلن که در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود (کلاپس و کالماه پدر دوم عکس، صفحه ۴۲-۴۳).
دینور از شکل‌بایی تا اضحال: تأثیر دیگر در عوامل موثر بر اضحال شهرهای

![Diagram: Frequency distribution of coinage in different periods.](image1)

شکل ۶: گسترشگری شهر دینور بر اساس سفال‌های سطحی شناختن دوره های مختلف تاریخی

![Images of coins with text](image2)

شکل ۷: نمونه‌ای از سکه‌های آل حسینیه که تعبیت کامل از سکه‌های عباسی در دینور ضرب شده است (فوجیانی، مص ۴۵-۷۵).

![Images of coins with text](image3)

شکل ۷ ب: سکه‌های ایوالنجم بدر بن حسنیه که ضرب ماه اکفه (دینور) هستند (فوجیانی، ص ۴۶-۷۵).
جدول شماره ۲: تنوع داده‌های سفالی مکشوفه از عصره شهر باستانی دینور

<table>
<thead>
<tr>
<th>طرح نمونه‌هایی از اشیاء مکشوفه</th>
<th>ویژگی اشیاء مکشوفه</th>
<th>دوره</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>قطعات مکشوفه عموداً به طرف مصرفی کم عمق و طرف دارنده آدفه تعلق دارند. این طرف فاقد هرکومه تزئینات می‌باشد.</td>
<td>اشکالیان (۲۲۲-۲۲۷ م. ق)</td>
<td>۱ قرون ۵ هجری قمری</td>
</tr>
<tr>
<td>بیشترین قطعات به طرف دارنده آدفه تعلق دارند. طرف مصرفی غالباً دارای عمق‌دان و به نظر می‌رسد بیشتر برای میایات ساخته شده‌اند. بر گردان آذری طرف معلق به هر دو گره‌ها فوق‌الاکثر تزئینات برجنگه به شکل شش‌تایی از مرورید اجابت گروه‌ده است.</td>
<td>ساسانیان (۲۲۲-۶۵۱ م)</td>
<td>۱ قرون ۵ هجری قمری</td>
</tr>
<tr>
<td>قطعات مکشوفه از این دوره عموداً به طرف مصرفی تعلق دارند. این طرف غالبآً دارای عمق‌دان و به نظر می‌رسد برای میایات مورد استفاده بوده‌اند. اکثریت تزئینات کنده‌اند و قوس‌شکنی از مرورید را به تقلید از تزئینات عصر ساسانیان به نمایش می‌گذارند.</td>
<td>قرون ۱-۲ ق. هجری قمری</td>
<td>۱ قرون ۵ هجری قمری</td>
</tr>
<tr>
<td>طرف مصرفی با ابعاد کوچک بیشترین تعداد سفالی‌های این دوره را تشکیل می‌دهد. این طرف عموداً در یک طرف دسته ای کوچک دارند. تقیاً تمام این طرف در بیرون‌شان به وسیله لعاب شفاف و با خطوط رنگی تزئین شده‌اند.</td>
<td>قرون ۲-۶ هجری قمری</td>
<td>۱ قرون ۵ هجری قمری</td>
</tr>
<tr>
<td>طرح سفالی این دوران اکثر مصرفی و کم عمق است.</td>
<td>اکثر طرح این دوره نیز در دو طرف دارای لعاب و تزئینات چند رنگ می‌باشند.</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>---</td>
<td>---</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>قرن 7 و 8 هجری قمری</td>
<td>قرن 9 و 10 هجری قمری</td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>
منابع

ابن حوقل، صوره الأرض، ترجمه جعفر شهريار، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، 1345.

ابن فضول، احمد سطه، ابن فضول، ترجمه ابوعفضول طباطبایی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، 1345.

ابن فضول، ابن بكر محمد بن اسحق همدانی، ترجمه مختصر البلدان (بخش مربوط به ایران).

ترجمه جهانگیر جهانگیری، مصطفی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، 1349.

با خانه زاده، ترجمه عبدالحسین صدیقی، با خانه زاده، ایران، تهران، 1349.

اسکندری، منشی، عالم آرای عباسی، تصحیح ابراهیم افشار، امریکا، تهران، 1382.

اشرف، بیرش، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلالوی، ج 1، علمی و فرهنگی، تهران، 1364.

اصلاح عربیان، اباعبداله شریعتی ها، سازمان فار، تهران، 1346.

امرس، قوامی، تاریخ زمان در زمان ایران، ترجمه ابوحنیس رده، صفی، تهران، 1370.

اصطخای، ابو الحسن لطیفی، مسالک و منابع به کوشش ابراهیم افشار، بنیاد ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1340.

بارئرد، ولادیس��، تذکر جغرافیای تاریخ ایران، ترجمه حمزة سردادری، توس، تهران، 1386.

بدری، امیر شفیع، تاریخ ایران، از امله کتاب، تهران، 1348.

بهلول، نورالدین محمد بن حفص بن، ترجمه ابن علوی، شیراز، تهران، 1346.

پشیر، اشراق سلسله‌های اسلامی ترجمه فردیند، بنیاد فرهنگی، تهران، 1371.

پیشینه تاریخ اسلام، سلسله‌های اسلامی جدید: راهنمای گام‌بازی و تاریخ‌نگاری، ترجمه فردیند.

پیرامون، مرکز پژوهش‌های اسلام و ایران، تهران، 1381.

پیرامون، مرکز پژوهش‌های اسلام و ایران، تهران، 1384.

پیرامون، مرکز پژوهش‌های اسلام و ایران، تهران، 1384.

رضا طباطبایی، بی‌جمال و منصوری و تربیت طباطبایی، سکه‌های اسلامی از آغاز تا حمله مغول.

نهاد اولتیماتوم بهاری: تجریه از امله کتاب، تهران، 1383.

جویباری، علی‌اکبر، دیوان، ترجمه صاحب منوی، تهران، 1379.

جیرجیری، احمد بن داوود اخبار الطول، ترجمه صادق تنثی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، 1389.

حیدری، ابوحسین احمد بن داوود، تاریخ قرون، ترجمه جواد فلالوی، تهران، 1389.
دنیوز از شکل‌بایی تا اصحالان: تأثیر دیگر در عوامل متور بر اضحال شهرهای راوندی، محمد بن سلمان، راه‌های الصدور و ایام‌الور در تاریخ آل سلجوقی. به تصحیح محمد اقبال، امیرکبیر، تهران، 1364.

رشیدی، بیژن، نیکوکاری، ترتیب انبثاقات آزاد، استان قدس رضوی، تهران، 1368.

سلطانی، محمدرضا، نظام مفصل کرامشاهان، جلد 4، 5، 6، تهران، 1381.

سنندجویی (فهرگانکتاب)، میرزا شکرالله، تحقیق ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، امیرکبیر، تهران، 1366.

طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الرسال و الملوك)، ترجمه ایوب‌نامی پاینده، ج 1، ج 2، 962.

اساتیری، تهران، 1365.

سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، فرهنگ جغرافیایی ادبیاتی کشور (کرامشاهان)، ج 4، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران، 1374.

فضل الله همدانی، رشیدالدین، جامع التواریخ، بهمن کریمی، ج 2، قیام، تهران، 1328.

فاثی، ایوب‌نامی محمد بن عبدالله، تاریخ اجتماعی، به اهتمام مهین همبستی، بنگاه تخرجه و نشر کتاب، 1327.

فومنی، عبدهالله، «قلمرو حکومت ایوبیان بدر بن حسنی»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره پنجم، صفحات 46-65، صفحات 1، صفحات 6-7، تهران، 1374. کلاسی، ولقان و کمال‌میان، پری بستون (کاوشنامه و تحقیقات سال‌های 1367-1371)، ترجمه ظریف نجد سیمی، سازمان میراث فرهنگی، تهران، 1385.

گلزاری، مسعود، جلالی، محمد، کرامشاهان باستان، وزارت فرهنگ و هنر، تهران، 1362.

گلزاری، مسعود، کرامشاهان-کردستان، ج 1، انتخاب اثرات، تهران، 1371.

لسترنگ، گای، جغرافیای تاریخی سرزنشی، خلافان شرقی، ترجمه محسوم غرفانی، بنگاه تخرجه و نشر کتاب، تهران 1372.

لین بول، استانی، طبقات سلسلی اسلام، ترجمه عباس اقبال، کتابخانه مهر، تهران، 1327.

مارکوانی، بیژن، ایران‌شهر ابی پسر جغرافیای موسی خویری، ترجمه مرسی‌نماحی، اطلاعات، تهران، 1372.

مستوفی، فربرزی، حمادی‌نامه، کتاب یک، پنجم کتاب، به کوشش محمد دیبر سیاقی، طهران، 1336.

مستوفی، حماین، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدهالی، امیرکبیر، تهران، 1364.

مشکور، محمد جواد، جغرافیای تاریخی ایران باستان، دنبال کتاب، تهران، 1371.

مستوفی، فربرزی، حمادی‌نامه، کتاب یک، پنجم کتاب، به کوشش محمد دیبرسیاقی، کتابخانه طهران، 1336.
مشکور، محمود جواد، جغرافیای تاریخی ایران باستان، دنبال کتاب، تهران،۱۳۷۱. نطنزی، محمود بن هدایت الله افشاری، نماهای اخلاق در ذکر الاحرار، به اهتمام احسان اشراقی، انتشارات علمی فرهنگی، تهران،۱۳۷۳. واله اصفهانی قزونی، محمود علی، خلخال، به کوشش میر هاشم محدث، نشر میره مکتب، تهران،۱۳۷۹. هروی، جواد، تاریخ سامانیان، انتشارات امیرکبیر، تهران،۱۳۸۰. هیشی، پل و پل، شاه اسماعیل دوم صفوی، ترجمه کیکاوس جهانداری، انتشارات علمی فرهنگی، تهران،۱۳۸۱. تبریزی، رضوان و پیروتی، تاریخی اوز، انتشارات امیرکبیر، تهران،۱۳۸۳. باقی، ابراهیم، تاریخ، ایران کمبریج، ترجمه حسن ابوش، ج. ۵، انتشارات امیرکبیر، تهران،۱۳۶۶. یزدی، شفیع، نقل وثن از مسیر اولین و سیم سعید میر محمد صادق، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران،۱۳۸۷. یعقوبی، احمد بن ایوب یعقوبی، پیام، ترجمه دکتر محمد آنی، بیت ابغا ترجمه و نشر کتاب، تهران،۱۳۸۳. \[۱۳۷۶\] یغمایی، حسن، تاریخ دولت صفویان، انتشارات دبیر کتاب، تهران،۱۳۷۶. \[۱۳۷۷\] Fagan, B. 2007. "People of the Earth", Pearson Education Inc.